

حبيب الله مهتدی



از ترجمه ی دستخط مورخ 31 اکتبر 1986:

« اخیراً اخبار نگران کننده ای به این مشائقان واصل گردیده که مطابق آن دو نفس دیگر از اهل بها در ایران به قتل رسیده اند... »

جناب حبيب الله مهتدی که هفتاد سال از عمرشان سپری می شد، افسر باز نشسته ی ارتش و فارغ التحصیل دانشکده ی حقوق بودند. ایشان که در دوره ی انقلاب از کشور خارج بودند، بعد از انقلاب جهت تصرف دارایی خود و ممانعت از مصادره ی آن به ایران بازگشتند. اما پس از فروش یکی از املاک خود فی الفور دستگیر شدند و عایدات فروش ملک از ایشان اخذ گردید. جناب مهتدی به مدت پنج سال زندانی گردیدند و کلیه ی دارایی بعداً مصادره شد. پس از استخلاص از زندان جهت اعاده ی تصرف در اموالی که بیدادگرانه مصادره شده بود، قضیه را با تماس با اولیای امور دنبال می نمودند. جناب مهتدی در روز پنجم شهریور ماه 1365 با ضربه ای که به سر ایشان وارد شده بود آنآ به قتل رسیدند... .

ظاهراً اعمالی مشابه، توسط افراد متعصبی که به علت عدم اقدامات حکومت، جرئت یافته اند ارتکاب می شود. این افراد مطمئنند که اگر هم خیانتی مشکوف گردد، هیچ مسلمانی برای ارتکاب جنایت علیه یک بهائی در برابر قانون مجازات نخواهد شد.»

بيت العدل اعظم الهی

جناب حبيب الله مهتدی، فرزند آقای حسن مهتدی، در سال 1295 در خانواده ای اصیل و مؤمن در طهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه ی تربیت به اتمام رساند و در تمام طول

تحصیل شاگرد ممتاز بود و رتبه ی اول را حائز گردید. تحصیلات عالی خود را در رشته های حقوق قضائی، حقوق اقتصادی و حقوق سیاسی در دانشگاه طهران به انجام رساند و فارغ التحصیل شد. در جوانی وارد ارتش در قسمت نیروی هوایی گردید. به خاطر هوش و ذکاوتی که داشت خیلی به سرعت درجات ارتشی را طی نمود. در سی و شش سالگی به درجه ی سرهنگی رسید و خیلی زود دریافت که برای کارهای پر تحرک تری ساخته شده. در همان سنین از ارتش کناره گرفت و به کارهای آبادانی و مقاطعه کاری پرداخت و در این زمینه کاملاً موفق بود. زندگی او سراسر ایثار، از خود گذشتگی و فداکاری بود. کمتر کسی دیده می شد که او را بشناسد و مفتون تواضع و بی ریایی او نگردد. در هیچ موردی تظاهر نمی کرد. ایمانی قوی در قلبش نهفته داشت. به وطن مألوف، ایران عزیز که وطن جمال مبارک است، عشقی سرشار می ورزید تا به حدی که نامی که برای شرکت مقاطعه کاری خود انتخاب کرده بود « تاکر » بود. هرگز نمی خواست که ایران را رها کند تا بالاخره بعد از انقلاب 1358 و تغییر و تحولات اخیر راضی نشد که دائماً در آمریکا زندگی نماید. برای ملاقات خانواده در سال 1359 به آمریکا آمد ولی تصمیم گرفت که به ایران برگردد و پس از سر و صورت دادن کارهایش برای همیشه در آمریکا اقامت نماید. بالاخره در تاریخ دوازدهم اردیبهشت 1360 (دوم می 1981) از طرف دولت جمهوری اسلامی بازداشت گردید و مدت چهار سال و نیم در زندان های ایران گرفتار بود، تا بالاخره در روز ششم آبان ماه 1364 (بیست و هشتم اکتبر 1985) از زندان آزاد گردید، ولی دیری نپایید یعنی پس از ده ماه در روز پنجم شهریور ماه 1365 (بیست و هفتم آگست 1986) ساعت سه و نیم بعدازظهر در خیابان به طور ناجوانمردانه به قتل رسید.

مأخذ: دارالانشای بیت العدل اعظم الهی.

پروازها و یادگارها، صفحه 204، تألیف ماه مهر گلستانه.

[www.Vaselan.org]